

خبر

زنی که زیر بمباران نان می‌پزد

مستند «عاتقه» در یک بالکن تنگ، با نمایش لباس‌هایی تیره و زنی تنها در میانه جنگ آغاز می‌شود. انگار به مخاطب می‌گوید، به تماشای فیلمی غمزه و تاریک آمده‌ است! هرچند نان‌های گرمی که در دامه پخته و تقسیم می‌شوند، بیننده را در حال‌وهوای دیگری غرقه می‌کند.

فیلم «عاتقه» به کارگردانی، پژوهش و تهیه‌کنندگی مسعود دهنوی شب گذشته در اصفهان اکران شد. این فیلم که از آثار برگزیده جشنواره حقیقت محسوب می‌شود، روایتگر آرامش یک زن لبنانی در شهری اسیر است؛ شهری که همه آن را پشت‌سر گذاشته‌اند. تماشای این مستند کوتاه فقط ۱۲ دقیقه زمان می‌برد. اما می‌تواند در گوشه‌ای از ذهن دوستداران فیلم (و زندگی) همیشه ماندگار بماند!

در همان لحظات آغازین مستند که نشانه‌های تیزرهیجتی حضورشان را به رخ می‌کشند، چشم مخاطب به آبی آسمان می‌افتد که با خانه هم‌مرز است. بعد اگر دقیق‌تر نگاه شود گل‌های سفید و قشنگی نیز بر پیراهن زن خودنمایی می‌کند. و همه این‌ها یعنی فیلم در وسط نامردمی و سیاهی جنگ به تماشای امیدهای کوچک زندگی هم نوبد می‌دهد. وقتی اسرائیل شهر را بمباران می‌کند، زن در همان بالکن کوچک با لبخند رو به دوربین می‌گوید: «دیدی من نرسیدم؟» و این همان تک‌های ناب زندگی است. جای دیگری زن باغچه و کاشته‌هایش را آب می‌دهد و انگار که قطعه‌ای شاعرانه زمزمه کند، رو به دوربین می‌گوید: «من گل‌ها را دوست دارم.» بعد به هردهای کوچکی که وسط جنگ گرفتارند، غذا می‌دهد و ما می‌دانیم که عاتقه آن‌ها را هم دوست دارد!

عاتقه هر روز با همان آبی آسمان، گل‌ها و گریه‌ها جان می‌گیرد و نمی‌گذارد که وسط جنگ شهر را ترک کند. همان‌طور که در معرفی مستند آمده است: «گل‌ها و گریه‌ها تنها بازماندگان هم‌راه «عاتقه» زیر بمباران فسفری دشمنان‌اند. او تلاش می‌کند با ماندنش، شهر را زنده نگه دارد.» با این همه، آنچه بیش از همه به جریان زندگی و زنده‌ماندن شهر کمک می‌کند، یختن نان و تقسیم آن است.

زن در آسبیزخانه و زیر همان بمباران نان و خوراکی محلی به نام میجره می‌پزد. و این یخت‌ویز را به مثابه یک آیین معنوی به جا می‌آورد. اوج این آیین معنوی زمانی به چشم می‌آید که نان‌های پیچیده در پارچه را کمی آن‌طرف‌تر به کسانی هدیه می‌دهد که می‌دانند دیر یا زود ممکن است به شهادت برسند. در چنین لحظاتی است که بهتر می‌فهمیم چرا عاتقه شهر را پشت‌سر نمی‌گذارد: شهری که هنوز زیستن و زندگی در آن معنا دارد، نمی‌شود پشت‌سر گذاشت. مستند «عاتقه» بازتابنده قدرت هنر و روایتی گیرا و تکان‌دهنده از زندگی عاتقه است که شاید مانند هر اثر دیگری جنبه‌های منفی داشته باشد و بتوان آن را نقد کرد. هرچند وقتی بدانیم که فیلم در ۱۲ روز و زیر بمباران هر روزه و ۲۴ساعته اسرائیل متولد شده است، فرصت چندانی برای خرده‌گیری نمی‌ماند!

به گزارش ایسنا، برخی از آثار برگزیده هجدهمین دوره سینما حقیقت (جشنواره فیلم مستند ایران) شامگاه دوشنبه ۲۷ دی ۱۴۰۲ در سینما سوره اصفهان اکران شد. این آثار هم‌زمان با اصفهان برای اولین بار در شهرهای رشت، ابدان، بوشهر، اهواز، شیراز، بندرعباس، کرج، گرگان، قم و اراک نیز به نمایش درآمد.

تصویر جذابیت داشت ولی ژاله علو رادیو را ترجیح داد

فرهنگ جولایی درباره زنده‌یاد ژاله علو و وفاداری این هنرمند به رادیو گفت: ایشان به خاطر عشقی که به رادیو داشتند، به رادیو وفادار بودند و حتی آن را به سینما و تلویزیون و سایر کارهای نمایشی ترجیح دادند.

فرهنگ جولایی، تهیه‌کننده باسابقه رادیو در گفت‌وگویی با ایسنا درباره فعالیت ماندگار ژاله علو در رادیو و همکاری‌هایی که با این هنرمند قفید داشت، اظهار کرد. من افتخار این را داشتم که سال‌ها در رادیو با خانم علو هم‌کار بودم و ایشان به عنوان کارگردان و بازیگر، کارهای ارزنده‌ای برای رادیو انجام دادند و هم به لحاظ حرفه‌ای و کاری و هم اخلاقی در نمایش‌های رادیو یکی از بی‌نظیرها بودند.

او ادامه داد: خانم علو سابقه خیلی زیادی در سینما، تلویزیون و گویندگی داشتند ولی نمایش رادیویی را به شکل دیگری دوست داشتند. کار کردن با ایشان واقعا لذت‌بخش بود. در هنگام کار تمام حواسشان و فکرشان دنبال کارشان بود و از همه نظر کم‌نظیر بودند. جولایی سپس به آخرین همکاری خود با ژاله علو که به هشت سال قبل برمی‌گردد، اشاره کرد و یادآور شد: آخرین بار با ایشان «قصه شب رادیو» را همکاری کردیم و ایشان کارگردانی برنامه را بر عهده داشتند و کار کردن با ایشان لذت‌بخش بود.

این پیشکسوت رادیو گفت: نقش‌هایی که ژاله علو همیشه در رادیو انتخاب می‌کردند، بسیار با قدرت هم اجرا می‌کردند. همیشه نظیر این نقش‌ها را دوست داشتند و همین شبیهت فرمتند را در اتاق فرمان به عنوان کارگردان داشتند. او افزود: خانم علو به خاطر عشقی که به رادیو داشتند در این رسانه ماندگار شدند. با وجود اینکه تصویر جذابیت داشت ولی ایشان رادیو را به سینما و تلویزیون و کارهای نمایشی بیشتر ترجیح داد.

تلفن ارتباط خوانندگان: ۳۶۲۹۳۷۵۰

فرهنگ و هنر

روایتی از پرسه در نمایشگاه نقاشی اصغر جوانی

نورنوشی در مهمانسرای عباسی



دی ماه ۱۴۰۳ از ساعت ۱۶ الی ۲۱برگزار می‌گردد. عنوان این نمایشگاه از بیتی از مولوی در دیوان شمس گرفته شده است. مصرع دوم بیت این است: «من نور خورم که قوت جان‌ست». این روزها که هوش مصنوعی مد شده است خوب است نگاه کنید که هوش مصنوعی درباره کل این غزل چه گفته است: «این متن به نوعی شعر یا نثر ادبی است که در آن نویسنده از انواع غذاها و خوراکی‌ها صحبت می‌کند و بیان می‌کند که او از برخی چیزها برهیز می‌کند و به برخی دیگر تمایل دارد. به‌طور کلی، او نمی‌خواهد به چیزهای بی‌ارزش یا مضر تکیه کند و در عوض به چیزهایی که برای جان و روحش مفید است توجه

می‌کند همچنین به اهمیت تصاف و برقراری ارتباط درست اشاره دارد و تأکید می‌کند که عشق و لذت‌های واقعی باید در زندگی او وجود داشته باشد. در نهایت، او بر این نکته تأکید دارد که چیزهایی نایسند و مضر برای او جایی ندارند.»۳۸ اثر استاد گروه نقاشی دانشگاه، نور و رنگ این مجموعه‌ها را در این نمایشگاه را می‌توان به نوعی گذری بر مجموعه آثار او نیز دانست. نمایشگاهی که می‌تواند به نوعی به کلاس آموزشی برای علاقمندان و دانشجویان نقاشی نیز محسوب گردد. کارها با استفاده از رنگ و روغن و اکریلیک، شکل گرفته بودند. هنرمندان این مجموعه خودشان درباره کارهایش گفت: من

داستان یک اصفهانی که در همه میدان‌ها ستاره شد



خیال قادیسه در سر دارد، لباس پیکار به تن می‌کند. و دیگر از تن به تن نمی‌کند تا آن زمستان سردی که پیش از رسیدن به ۵۰ سالگی در دی ماهش آسمانی شد و به رؤیای شهادت دست یافت. «روزگار احمد» به تک‌تک عملیات‌هایی که کاظمی در آن‌ها نقش داشته، نظر دارد و مخصوصا به سراغ بیت المقدس می‌رود. در این نبرد، لشکر شکت نجف اشرف نیز که ترکیبی از رزمندگان نجف‌آباد، خمینی‌شهر، کاشان و چند شهر دیگر بود، به فرماندهی کاظمی حضور دارد. به گواه مورخان و صاحب‌نظران، عملیات

چرا باید از پروانگی مسعود کیمیایی محافظت کرد؟



این صحبت‌های کیمیایی پس از آن مطرح می‌شود که طی هفته‌های اخیر، امیدواری‌های زیادی درباره فیلم ساختن این کارگردان شاخص سینمای ایران به وجود آمده بود. امیدواری‌هایی که پس از دیدار رئیس سازمان سینمایی از کیمیایی افزایش یافت اما حالا چنین نقل‌قولی از کیمیایی، نگرانی‌هایی را به وجود آورده است. نگرانی بزرگ از این بابت است که کیمیایی به‌عنوان معبود کارگردانان مولف به‌جامانده از نسل دوم سینمای ایران، سبک منحصره‌فردی در خلق ماهیت کینی دارد که تا امروز هیچ مایه‌زایی نداشته است.

چهارشنبه ۵ دی ۱۴۰۳ ■ سال بیست و یکم ■ شماره ۵۷۲

اصفهانامروز

خبر

شعر فارسی در دستان رودکی

رودکی، شاعر بزرگ ایرانی که با کلامش دنیایی از احساسات و اندیشه‌ها را به تصویر کشیده است، نه‌تنها به‌عنوان پدر شعر فارسی شناخته می‌شود، بلکه نماد پیوندی عمیق میان فرهنگ و ادبیات ایران است.

به گزارش ایمنآ، رودکی که نام کامل او ابو عبدالله جعفر بن محمد رودکی است، به عنوان یکی از بزرگ‌ترین شاعران و ادیبان تاریخ ایران و آغازگر شعر فارسی به شمار می‌رود. او در اوایل قرن دهم میلادی (سده چهارم هجری) در نزدیکی شهر پنج‌، در منطقه‌ای به نام روتک در حال حاضر تاجیکستان، به دنیا آمد و زندگی کرد.

رودکی در دوره سامانیان زندگی می‌کرد؛ دوره‌ای که یکی از دوره‌های طلایی شعر و ادبیات فارسی به‌شمار می‌رود و در محیطی پرورش یافت که در آن شعر و ادب بسیار مورد توجه قرار داشت. خانواده رودکی از طبقه پایین جامعه‌بودند.

برخی از نویسندگان همچون محمد عوفی در لب‌الالباب رودکی را کور بنو تولد دانسته‌اند، همچنین قدیمی‌ترین منبع، رودکی را اَکمه (کور ماززاد) خوانند و به همین دلیل او در جوانی مسورد توجه قرار نگرفت، با این حال، استعداد او در مجالس شعری و ادبی به سرعت شناخته‌شد.

رودکی در دربار امیر نصیر سامانی پذیرفته شد و به‌عنوان شاعر درباری به خدمت پرداخت: او با اشعارش توانست توجه امیران و بزرگان وقت را جلب کند و به شهرتی بزرگ دست یابد. افزون بر اینکه رودکی خود شاعر و ادیب بود، او همچنین به گردآوری دانشمندان کاتبی‌های شهر اصفهان و همچنین قالی‌هایز اشاره کرد. این استاد گروه نقاشی دانشگاه، نور و رنگ این مجموعه‌ها را در تابلوهایی ارائه کرده است که بنا به روایت برخی از مخاطبان نوعی رنگ‌های شاد و شیرین کنار هم نشسته‌اند. ذکر این نکته لازم است که او پیش از این کتاب مستقلی نیز در حوزه آموزش برای علاقمندان و دانشجویان نقاشی نیز محسوب می‌گردد. کارها با استفاده از رنگ و روغن و اکریلیک، شکل گرفته است.

هنوز در حال تجربه کردن هستیم. او به بن مایه‌های کارهایش اشاره کرد و از معراج رسول اکرم (ص)، اشعار و پیام‌های مولوی و فرهنگ ایرانی نام برد. از بخش فرهنگ ایرانی او به کاتبی‌های شهر اصفهان و همچنین قالی‌هایز اشاره کرد. این استاد گروه نقاشی دانشگاه، نور و رنگ این مجموعه‌ها را در تابلوهایی ارائه کرده است که بنا به روایت برخی از مخاطبان نوعی رنگ‌های شاد و شیرین کنار هم نشسته‌اند. ذکر این نکته لازم است که او پیش از این کتاب مستقلی نیز در حوزه آموزش برای علاقمندان و دانشجویان نقاشی نیز محسوب می‌گردد. کارها با استفاده از رنگ و روغن و اکریلیک، شکل گرفته است.

می‌کند همچنین به اهمیت تصاف و برقراری ارتباط درست اشاره دارد و تأکید می‌کند که عشق و لذت‌های واقعی باید در زندگی او وجود داشته باشد. در نهایت، او بر این نکته تأکید دارد که چیزهایی نایسند و مضر برای او جایی ندارند.»۳۸ اثر استاد گروه نقاشی دانشگاه، نور و رنگ این مجموعه‌ها را در این نمایشگاه را می‌توان به نوعی گذری بر مجموعه آثار او نیز دانست. نمایشگاهی که می‌تواند به نوعی به کلاس آموزشی برای علاقمندان و دانشجویان نقاشی نیز محسوب گردد. کارها با استفاده از رنگ و روغن و اکریلیک، شکل گرفته بودند. هنرمندان این مجموعه خودشان درباره کارهایش گفت: من

این دو نیرو و حضور در برهه‌های حساسی چون زلزله بم نشان داد که یک فاتح همیشگی است.

در این مستند از میان خاطرت شهید کاظمی که به‌همت هم‌زمان دیروزش روایت می‌شود، واکاوی سبک مدیریتی او برای مخاطب، خصوصا برای اصفهانی‌ها شنیدنی است.

به گواه هم‌زمان شهید کاظمی یکی از علل موفقیت‌های همیشگی او دقت‌نظر و هوشمندی‌اش در مدیریت غذا و تدارکات بود. آن هم در روزهایی که نیروها از این منظر در وضعیتی بحرانی به سر می‌بردند. مدیریت این وضعیت از دست هر فرماندهی بر نمی‌آمد و راولیان و ناقدان بدشان نمی‌آید که این کامیابی کاظمی را با نسبت اصفهانی‌اش مرتبط بدانند! مستند «روزگار احمد» در جایی به پایان می‌رسد که کاظمی موهای سپید، مرتب و متینی دارد و خواننده روی تازه‌ای از زندگی آن شهید دیده و بی‌تردید لبخند رضایت بر لبانش می‌شنیند. با این همه، تردیدی نیست که می‌توان به خود اثر و از برخی زوایا خرده گرفت. حضور کم‌رنگ لوکیشن‌های اصفهان و ذکر نام این دیار، خصوصا نجف‌آباد یکی از آن خرده‌ها است که احتمالا مخاطب اصفهانی بیشتر آن را درک می‌کند. غیبت زنان در مستند نبود و روایتگرانی از خانواده، قاملی و دوستان غیرنظامی شهید کاظمی نقد دیگری است که نمی‌توان به آسانی از آن گذاشت.

شعر رودکی به لحاظ فرم و محتوا از ویژگی‌هایی برخوردار است، او از زبان ساده و صمیمی استفاده می‌کرد که موجب می‌شد اشعارش در دل مردم جا باز کند. اکثر اشعار او در قالب غزل، قصیده و رباعی سروده شده و به موضوعات مختلفی چون عشق، طبیعت، فلسفه، و زندگی روزمره پرداخته است.

شعر رودکی به لحاظ فرم و محتوا از ویژگی‌هایی برخوردار است، او از زبان ساده و صمیمی استفاده می‌کرد که موجب می‌شد اشعارش در دل مردم جا باز کند. اکثر اشعار او در قالب غزل، قصیده و رباعی سروده شده و به موضوعات مختلفی چون عشق، طبیعت، فلسفه، و زندگی روزمره پرداخته است.

رودکی به‌طور عمده از وزن‌های شعری کلاسیک فارسی استفاده کرد و در کنار آن، مضامین نوآروپایی را در اشعارش به کار برد. او با استفاده از نمادها و استعاره‌های زیبا، احساسات عمیق انسانی را به تصویر می‌کشید و از این راه، پیوندی عاطفی با خوانندگان خود برقرار می‌کرد؛ وی نه‌تنها به‌عنوان شاعر ایرانی، بلکه به عنوان نمادی از فرهنگ و هویت ایرانی نیز شناخته می‌شود. در این مسیر فارغ‌ش زبانش فارسی در سرزمین‌های وسیع‌تر، اشعار و آثار رودکی به‌عنوان نماد ادبیات و هنر ایرانی به سایر نقاط دنیا معرفی شده است.

او با بیان عواطف و احساسات انسانی و با پرداختن به موضوعات اجتماعی و فرهنگی زمان خود، به شکل‌دهی هویت ملی کمک کرد. در واقع رودکی نماد وحدت و انسجام فرهنگی در دنیای فارسی‌زبان است و آثارش به همین دلیل، او هنوز هم در قلب و ذهن مردم ایران و ادبیات جهان جایگاهی ویژه دارد.

رودکی به‌عنوان پدر شعر فارسی نه‌تنها در حوزه ادبیات تأثیرگذار بود، بلکه نقشی اساسی در تحول فرهنگی و اجتماعی ایران ایفا کرد؛ از طریق اشعارش، او امکان بیان احساسات و عقاید را برای دیگران فراهم ساخت و به همین دلیل، او هنوز هم در قلب و ذهن مردم ایران و ادبیات جهان جایگاهی ویژه دارد.

او با بیان عواطف و احساسات انسانی و با پرداختن به موضوعات اجتماعی و فرهنگی زمان خود، به شکل‌دهی هویت ملی کمک کرد. در واقع رودکی نماد وحدت و انسجام فرهنگی در دنیای فارسی‌زبان است و آثارش به همین دلیل، او هنوز هم در قلب و ذهن مردم ایران و ادبیات جهان جایگاهی ویژه دارد. با وجود اینکه زمان زیادی از زندگی او گذشته، اما شعر و ادبیات او همچنان زنده و پویا است و نسل‌های جدید با اشعار او آشنا می‌شوند. این نشان‌دهنده عمق و تأثیر تاریخ ادبیات فارسی و ارزش‌های انسانی‌ای است که رودکی به تصویر کشیده است.

«بیرون، شب، تحت فرمان است» به صحنه می‌آید

نمایش «بیرون، شب، تحت فرمان است» کاری از نیما آقاخانی در سالن اصلی مرکز تئاتر مولوی روی صحنه می‌رود.

به گزارش مهر به نقل از مشاور رسانه‌ای پروژه، نمایش «بیرون، شب، تحت فرمان است» به نویسندگی و کارگردانی نیما آقاخانی از ۹ دی ۱۴۰۳، ساعت ۲۰:۳۰ در سالن اصلی مرکز تئاتر مولوی روی صحنه می‌رود. این اجرای تجربی، در ۵ اپیزود و با استفاده و الهام از منابع مختلف هنری مانند نقاشی، داستان کوتاه، شعر و فیلم سعی در ساخت روایت‌های مختلف دارد.

پویا عربگری، مهلا احمدی، نگین فیروز منش و نیما آقاخانی بازیگران این اثر نمایشی هستند. دستیاران کارگردان: جواد فرمانی، امیرحسین توکلی، گروه کارگردانی: فرید تکلو، تینسا حاجی‌نصرت‌الله، طراح صحنه و طراح لباس: نیما آقاخانی، موسیقی: علی علوی، طراح گرافیک، پوستر و تیزر: محمد شهیدی، طراح نور و پروکشن: مهرداد رضایی، مشاور رسانه‌ای و تبلیغات: علی کهفانی دیگر عوامل نمایش «بیرون، شب، تحت فرمان است» هستند.